

تبلیغ شیرین



شما از قم پول می‌دادید و به کاشان می‌آمدید و برای بچه‌ها جلسه می‌گذاشتید، چقدر به شما پول دادند، جواب داد که در آن ۵ سال احدی به من ریالی نداد. کسی که خود اهل کار است، معنای این را می‌فهمد. چند جلسه بدون چشمداشت، طبیعی است اما چند ماه و چند سال کسی با پول خود این کار را انجام می‌دهد؛ باید یک انگیزه دیگری او را به حرکت بیندازد. یک کارخانه‌داری به نهضت سوادآموزی آمده بود، ایشان از برنامه تلویزیونی «درس‌هایی از قرآن» خوشش آمده بود، به آقای قرآنی گفت من باقی در کرج دارم - که در دهه ۶۰ ۱۷ میلیون تومان ارزش داشت - می‌خواهم بدون سر و صدا به شما بدهم، آقای قرآنی گفت شما خمس می‌دهید، گفت بلد نیستم. ایشان را با خمس آشنا کرد، ایشان محاسبه کرد و به خانه یکی از مراجع رفت و خمس را داد. بعد از چند وقت دوباره آمد و گفت من از شما خیلی خوشم آمده، خمس را مادم و این باغ را می‌خواهم به شما بدهم. آقای قرآنی گفت شما چه می‌دانی که من چه کسی هستم و حتی اگر خوب باشم چه می‌دانی که فردا چه خواهد شد، یک کاری کن که پشیمانی نداشته باشی.

سفر می‌رفت، آنقدر بی‌دری کلاس و سخنرانی داشت که آخر کارش به بیمارستان و سرم کشیده می‌شد. یعنی کار شاق خیلی پرجمعی داشت. این همه کار انجام نمی‌شود مگر اینکه با شوخ‌طبعی آمیخته شود. کلیت‌های بسیاری از شوخ‌طبعی‌های ایشان منتشر شده است. من یک زمانی می‌خواستم از سال‌های اولی که ایشان برنامه‌های ضبط شده، شوخ‌طبعی‌هایش را استخراج کنم که خود یک کتابی است. چند سال پیش بود که بزرگداشتی برایش گرفتند و خبرنگار از ایشان پرسید آرزویی داری که در عمرت به آن نرسیده باشی. گفت ۲ آرزو دارم؛ یکی اینکه سایات خنده حلال راه‌اندازی کنم و دیگر اینکه یک حرکتی برای ازدواج جوانان کنم. اینها آرزوهایی است که وقت نشد به آنها برسم که هر ۲ در جهان امروز ضروری است. مخالفان و دشمنان ما برای آن سرمایه‌گذاری می‌کنند و میلیون‌ها هوادار برای خود جذب می‌کنند ولی ما مذهبی‌ها متأسفانه اینچنین نیستیم. آقای قرآنی را که برادریم، دیگر نفر دوم و سوم را به سختی پیدا می‌کنیم. بسیار فکر کردیم که این خلأ را جبران کنیم و نیرو بسازیم که ضمن مراعات چارچوب‌ها و خط قرمزها، خوشمزگی‌ها در تعامل کلامی و رفتاری باشد که خیلی از خلق تنگی‌ها را از بین می‌برد، حتی در مباحثات وقتی این خوشمزگی‌ها هست نجیدگی خاطر کمتر می‌شود. این میدانی است که شاید آقای قرآنی در این میدان منحصر به فرد باشد.

طلبه سال پنجمی با چند صد آیه قرآن انس گرفته باشد. ■ شهید مطهری نقل می‌کند آقای خوبی پس از آنکه درس تفسیر قرآن خود را شروع کرد با فشار زیادی از جانب طلاب و روحانیون مواجه شد و بسیاری از شاگردان در درس تفسیر ایشان شرکت نمی‌کردند که بعد از مدتی درس تفسیر را تعطیل کرد و درباره علامه طباطبایی که در آن وقت تفسیر می‌گفت فرموده بود ایشان خود را تضحیه (قربانی) کرده است. اوضاع مهجوریت قرآن در حوزه این گونه بوده است. آقای قرآنی در طول این سال‌ها مثل علمای پیشین طبعاً با فشارهای زیادی مواجه شده‌اند، روش مقابله ایشان با این فشارها چه بود؟ ایشان مقاومت و به آن رفتارهایی اعتنایی کرد. حتی سر درس مراجع که شاید هم شنیده باشید از جمله درس آقای وحید، مکارم‌شیرازی و مقام معظم رهبری و مراجع دیگر، به خاطر صراحت لجه و نیت صافی که دارد، مراجع به او اجازه می‌دادند که قبل از درس خارج چند دقیقه‌ای طرح موضوع کند و ایشان هم با کمال صراحت به مرجع تقلید پیشنهاد داد که شما ۵ روز درس خارج می‌دهید، یک روز قرآن بیا کنید یا یکی از روزهای خود را به قرآن اختصاص دهید و همین تأثیر داشته و نشان می‌دهد که آقای قرآنی در طرح این موضوع موفق بوده است. ممکن است موفقیت ایشان در برخی مواقع کمتر یا بیشتر بوده است اما ایشان در این موضوع سماجت داشت و به طعنه‌هایی که می‌زدند بی‌اعتنایی می‌کرد و با تکرار و اصرار این مسیر را تاکنون پیش آمده است.

چند سال پیش بود که بزرگداشتی برای آقای قرآنی گرفتند و خبرنگار از ایشان پرسید آرزویی داری که در عمرت به آن نرسیده باشی. گفت ۲ آرزو دارم؛ یکی اینکه سایات خنده حلال راه‌اندازی کنم و دیگر اینکه یک حرکتی برای ازدواج جوانان کنم. اینها آرزوهایی است که وقت نشد به آنها برسم که هر ۲ در جهان امروز ضروری است

درباره تعامل ایشان در سال‌های قدیم که انرژی بیشتری داشت و همچنین شوخ‌طبعی‌شان مخصوصاً با جوانان و مردم، اگر خاطره‌ای دارید بفرمایید؟ حدیثی از امام هفتم هست که بسیاری هم آن را شنیده‌اند اما نکته‌ای که در این حدیث بسیار مهم است آنکه امام هفتم فرمودند تلاش کنید وقت خود را به ۴ قسمت تقسیم کنید؛ یک قسمت برای مناجات با خدا، یک قسمت برای تأمین معاش، یک قسمت برای ارتباط با افراد مطمئن و قسمتی دیگر برای لذت‌های حلال. امام هفتم فرمودند با این قسمت چهارم است که آن ۳ بخش اول، دوم و سوم سامان پیدا می‌کند. آقای قرآنی بعد از خدا بیشتر کسی را که می‌شناسم من هستم. ایشان بسیار پرکار است. در سال‌های اولی که ما به تهران آمدیم، یک سال تمام فقط با یک روز تعطیلی کار کردیم و آن هم روز عاشورا بود. همه جمعه‌ها کار می‌کردیم و چیزی به نام تعطیلی پنجشنبه و جمعه نداشتیم. بسیاری از روزها از آنان صبح تا پایان شب کار می‌کردیم. کسی که می‌خواهد اینقدر کار کند باید انرژی داشته باشد و این را با شوخ‌طبعی و خوش‌رویی می‌گذرانند. این شوخ‌طبعی‌چه در محیط محدودی که کار پژوهشی می‌کردیم یا در محیط تبلیغ همراه ایشان بود، یا در محیط‌های ورزشی؛ ایشان آن زمان پینگ‌پنگ، والیبال و شش بازی می‌کرد و از اینها که لذت‌های حلالی است برای کار اصلی انرژی می‌گرفت و انرژی هم می‌داد که بخشی از این روحیه خدادادی است و بخش زیادی را هم می‌توانیم اقتباس کنیم. بعضی از استنادهای ایشان

ایشان نسبت به این موضوع است. در رابطه با همین سوز و گداز حاج آقا نسبت به مهجوریت قرآن کریم، ما در ویدئوهای مختلف می‌دیدیم بعضاً ایشان با طلبه‌های جوانی که قرآن را در حاشیه دروس و مطالعات خود قرار داده بودند با حالت عتاب آمیز صحبت می‌کرد که چرا قرآن را مهجور و منزوی کردید؟ بله! من بسیار از این صحنه‌ها دیدم. ببینید! کسی که می‌خواهد تحول ایجاد کند باید عتاب کند. پیامبران که می‌خواستند تحول ایجاد کنند بخش مهمی از کارهای‌شان همین انداز یا هشدار یا تکان دادن و نعره کشیدن و فریاد زدن است. انذار حتی از کلمه تیشتر در قرآن بیشترین اثر را دارد. این به خاطر ایجاد تحول است. یک جامعه وقتی به سمت تغییر و تحول پیش می‌رود که این عتاب‌ها و انذارها باشد. آقای قرآنی برای اینکه این سبک گذشته را تغییر دهد و جامعه را به سمت قرآن محوری حرکت دهد خیلی باید کار می‌کرد که با مقاومت روبه‌رو می‌شد. مثلاً اصل در شهریه گرفتن یا پیشرفت‌های حوزوی در خواندن فقه و اصول بود ولی آقای قرآنی می‌خواست قرآن را در پیشانی و اولویت کار حوزه قرار دهد، البته دروس فقه و اصول هم ضروری و لازم هستند ولی خب قرآن کتاب اول دین است. حرف زدن آسان است ولی به کرسی نشاندن این حرف خیلی انرژی می‌خواهد. ما فکر می‌کنیم که به خاطر اخلاص ایشان بود اگر نه خیلی وقت‌ها به خاطر تندگی ایشان، جا داشت که دیگران مقابلیه‌ممثل و پرخاش کنند، ولی چون می‌دانستند نیت ایشان پاک است سکوت می‌کردند. ایشان در مجامع دیگر هم باز با همین تندگی صحبت می‌کنند که شما کتاب خالق را فراموش کردید و سراغ کتاب مخلوق رفتید. چه عیبی دارد از روز اول که صرف می‌خوانید به جای ضرب زید عمرا، بگویند ضربه‌الله مثلاً. تمرین‌های سال اول طلبگی را با قرآن بیامیزید. از اسنادی دیگر که طلبه‌ها سال‌های بعد می‌خوانند مثل معانی و بیان، به جای اشعار خرافی زمان جاهلیت، آیات قرآن را جزم‌مثال‌های خود قرار دهید. ایشان خیلی اینها را تکرار می‌کرد، دفعات اول که طرح می‌کرد خیلی از اسنادی دلخور می‌شدند ولی آرام آرام برخی منعطف می‌شدند و می‌گفتند راست می‌گویید، درست است چند صد سال است که با این سبک جلو آمده‌ایم ولی چه ایرادی دارد از همان سال‌های اول طلبگی مثال‌ها و تمرین‌ها قرآنی باشد و یک

وقتی موعظه می‌خواهیم بکنیم، آیات موعظه را بگوییم: فذکر بالقرآن من یخاف وعید؛ چرا جای دیگر می‌روید؟ در حوزه‌ها «معاونت تهذیب» هست برای اخلاق طلبه‌ها؛ آیات اخلاقی را بگویید؛ آیات اخلاقی را اگر بگویند، هم تفسیر است، هم تهذیب است، هم طلبه که این را یاد گرفت می‌رود توی محله‌شان می‌گوید: عید، تابستان، ماه رمضان، محرم، یعنی ما اخلاق‌مان جدا است از تفسیرمان. سیاست هم می‌خواهیم بگوییم آیات سیاسی را باید بگوییم، چند صد آیه سیاسی داریم در قرآن، همان‌ها را اگر بگوییم مردم تشکر می‌کنند. ما مزه قرآن را نجشیده‌ایم بعضی‌های‌مان و نجشیده‌اند بعضی‌های‌شان؛ نه چشیده‌ایم و نه نواسته‌ایم بچشاییم. به هر حال مسأله قرآن را جدی بگیریم. فکر هم نکند قرآن علم نیست. امام رضا فرمودند: مَنْ اراد العلم فَلْيَتَوَقَّ الْقُرْآنَ «تور» با «ث» یعنی انقلاب - برای علم، قرآن را زیرورو کنید. ما از اول باید برگردیم خاکِ باغچه را عوض کنیم. ما که طلبه بودیم به ما می‌گفتند: «ضرب زید عمروا».

مهمی از این سخنرانی را مرور می‌کنیم: «جایگاه قرآن در جامعه ما چیست؟ این قرآنی که خودش ۲ مرتبه فرموده «حُدِّ الْکِتَابُ بِقَوْهٍ»، جدی بگیریم قرآن را. هویت ما به قرآن است. چون در قرآن ۴ تا توبیخ است: کَمَثَلِ الْجَمَارِ، کَمَثَلِ الْکَلْبِ، کَالْحِجَارَةِ، کَالْإِنْعَامِ؛ اما یک توبیخ در قرآن است که خیلی داغ است: می‌گوید یوکا! به کسانی که کتاب آسمانی را اقامه نکنند، لقب «یوک» داده خدا، یا أَهْلَ الْکِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَئٍ حَتَّىٰ تَقِيمُوا. کلمه «اقامه» راجع به ۴ چیز در قرآن آمده: اَقِيمُوا الدِّینَ، اَقِيمُوا الصَّلَاةَ، اَقِيمُوا السُّورَ، وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ، زندگی مادی‌مان هم بند به همین قرآن است. (می‌فرماید) وِلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ، اگر اینها تورات را اقامه کنند، لاکلوا! خوب، اگر اقامه قرآن شد، لاکلوا، لاکلوا، یعنی مادیات‌مان هم بند به همین است. چون قرآن ذکر است: نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّکْرَ، وَ مَن أَعْرَضَ عَن ذِکْرِ فَإِنَّ لَهُ عِشْقَهُ شُکْرًا. یک سری گیروگورها هم شاید به‌خاطر این باشد که قرآن برای ما کتاب اصلی نیست. خدا به پیغمبر

۲۸ فروردین ۹۷ طلاب و فضایی که برای کلاس درس خارج روید، شاهد حضور یک استاد فاضل دیگر به عنوان سخنران در جلسه بودند و آن شخص کسی نبود جز معلم ۴۰ ساله درس‌هایی از قرآن. ماجرا بدین گونه بود که حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قرآنی از رهبر انقلاب اسلامی درخواست می‌کند در یکی از جلسات درس خارج فقه ایشان حضور یابد تا درباره ضرورت توجه به تفسیر قرآن در حوزه‌های علمیه و مهجوریت قرآن در جامعه و کشورمان برای طلاب حاضر در درس معظّم له سخنرانی کند. این پیشنهاد مورد استقبال رهبر انقلاب قرار می‌گیرد و موجب می‌شود حجت‌الاسلام قرآنی در ابتدای جلسه درس خارج فقه حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در روز سه‌شنبه ۱۳۹۷/۱۲/۲۸ به سخنرانی بپردازد. حجت‌الاسلام والمسلمین قرآنی در این جلسه از مهجوریت قرآن در دغدغه‌های سخن گفت و به روحانیون و طلاب نسبت به انزوای قرآن هشدار داد. بخش‌های

حجت‌الاسلام قرآنی در این جلسه از مهجوریت قرآن در دغدغه‌های سخن گفت و به روحانیون و طلاب نسبت به انزوای قرآن هشدار داد. بخش‌های

حجت‌الاسلام قرآنی در این جلسه از مهجوریت قرآن در دغدغه‌های سخن گفت و به روحانیون و طلاب نسبت به انزوای قرآن هشدار داد. بخش‌های

حجت‌الاسلام قرآنی در این جلسه از مهجوریت قرآن در دغدغه‌های سخن گفت و به روحانیون و طلاب نسبت به انزوای قرآن هشدار داد. بخش‌های